

سوز حسینی



فهرست مطالب

۵.....	فهرست مطالب
۷.....	مقدمه

مرز میان بهشت و دوزخ

۱۱.....	کارشکنی در شعائر حسینی
۱۲.....	ریشه تشکیک
۱۵.....	لعن ابدی

ایستادگی در برابر شعائر حسینی

۲۳.....	تبلیغ شعائر حسینی
۲۴.....	اشک بر مظلوم
۲۷.....	مجالس بی‌شمار
۲۷.....	جوانان و مجالس حسینی
۲۸.....	استفاده از کانال‌های ماهواره‌ای
۳۲.....	هم‌رتبه رسولان
۳۳.....	مظلوم بی‌مانند
۳۶.....	حسینی باشیم

عاشورای بی پایان

- ۴۵.....منتقم حقیقی
- ۴۶.....ضمانتی جهان شمول
- ۵۲.....نخستین عزادار
- ۵۶.....عالمان دین و شعائر حسینی

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على
محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين

در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمده است:

إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛^(۱)

شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ سوز وگدازی در دل‌های مؤمنان
برجای نهاده که هیچ‌گاه به سردی نمی‌گراید.

هر جسم گرمی منبع حرارتی دارد که از آن گرما می‌گیرد و به

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، حدیث ۱۲۰۸۴.

محض دورشدن از آن، دمای جسم تدریجاً کاهش می‌یابد. اگر به ظرفی که روی آتش قرار دارد دست بزنیم، دست مان می‌سوزد، ولی به محض خاموش شدن آتش، دمای ظرف رو به کاهش می‌نهد تا جایی که پس از گذشت اندک زمانی به سادگی می‌توانیم ظرف را در دست بگیریم، بدون آن که آسیبی ببینیم. از دست دادن عزیزان و نزدیکان برای همه جان سوز و با رنج بسیار همراه است. کسی که داغ عزیزی را می‌بیند در روزهای اول، ضربه بزرگی را تحمل می‌کند و چه بسا از حالت طبیعی خارج شده، دچار اختلال شود، غذا نخورد و حتی نخوابد، اما با گذشت هفته‌ها و ماه‌ها گُرد فراموشی بر این مصیبت می‌نشیند و کم‌کم التیام می‌یابد. سوزناک‌ترین مصیبت‌ها و جان‌کاه‌ترین سوگ‌ها در لابه لای پیچ و خم زندگی روزمره از یاد می‌روند و به خاطره تبدیل می‌گردند.

در این میان تنها یک سوگ است که هیچ‌گاه در درازنای زمان از یادها نمی‌رود و فروغ آن هرگز به خاموشی نمی‌گراید. همه ساله چند روز مانده به ماه محرم، کوی و برزن جامه سیاه می‌پوشد و مردمان در تکاپوی برپا کردن خیمه عزای امام حسین علیه السلام می‌افتند و دل‌های همگان حال و هوای دیگری پیدا می‌کند و شور حسینی و سوز عاشورایی چون آتشی از زیر خاکستر سر بر می‌کشد و شعله می‌گیرد.

از روایت گذشته برمی‌آید که این سوز و حرارت از ویژگی‌های اهل

ایمان است، زیرا در آن نیامده است: «در دل انسان‌ها» یا «در دل مردم». از این روی شور و حال حسینی که در دل‌های مؤمنان آشیانه دارد، به درجات ایمان وابسته است و به نسبت آن کم و زیاد می‌شود و هر مؤمن و دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام آن را در وجود خود می‌یابد. این مصیبت عظیم، در حدود ۱۴۰۰ سال پیش رخ داد، ولی حرارت آن هم چنان در جان‌های مؤمنان جای دارد.

در روایت آمده حضرت زهرا علیها‌السلام در اول ماه محرم جامه‌ای را که سیدالشهدا علیه‌السلام هنگام شهادت به تن داشتند، بر عرش الهی می‌آویزد و بدین ترتیب سوگ و اندوه را تجدید می‌کند. این مسلماً در شمار امور غیبی است که چشم ما آن را نمی‌بیند، ولی فراموش نکنیم که آثار امور نادیدنی و نشنیدنی به مراتب بیش از دیدنی‌هاست. عقل انسان نیز نادیدنی است، ولی آثار بسیار دارد که بر آن دلالت می‌کند. پیراهن آغشته به خون فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز - هر چند قادر به دیدن آن نباشیم - حقیقتی ثابت و قطعی است و اندوهی که در هستی می‌پراکند و در دل‌های مؤمنان ایجاد می‌کند انکارناپذیر است.

از این رو مؤسسه فرهنگی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مفتخر است به مناسبت فرارسیدن ماه محرم سال ۱۴۳۸ق/۱۳۹۵ش. نوشته حاضر را - که فراهم آمده از سه سخنرانی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی

شیرازی (دام ظلّه) در شام غریبان حضرت سید الشهدا علیه السلام (در سالهای ۱۴۳۴، ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶ ق) ایراد شده است - به دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، به ویژه محبان حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام تقدیم نماید. امید این که خدمتی ناچیز باشد به پیشگاه حضرت امام حسین علیه السلام و همگان را مفید باشد.

مؤسسه فرهنگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله

کربلای معلاء

۱۴۳۸ هجری قمری

۱۳۹۵ هجری شمسی

مرز میان بهشت و دوزخ^۱

کارشکنی در شعائر حسینی

بحمدالله در بیش از ۱۹۰ کشور از دویست کشور در سراسر جهان، برگزاری شعائر حسینی با تمام تنوع و گوناگونی‌اش، آزاد است. اما در پاره‌ای کشورها برای این نوع مراسم محدودیت و کارشکنی وجود دارد. بنده برای افرادی که برای عزاداران حسینی اشکال تراشی و در راه آنان سنگ‌اندازی می‌کنند، دعا کرده و هدایتشان را از خدای متعال خواستارم تا کیفر کار خود را فقط در این دنیا ببینند و از عذاب آخرتی رهایی یابند و با جبران کار خود، سر و کارشان با حضرت زهرا علیها السلام نیفتد. روشن باشد ظالمانی که بر ظلم خود اصرار دارند، مستحق دعا نبوده و نیستند و از کیفر آخرتی رهایی ندارند و بدانند که ظلم به عزاداران، ظلم به حضرت

۱. این گفتار در شام غریبان ۱۴۳۴ق در جمع انبوه سوگواران و عزاداران حضرت سیدالشهدا علیه السلام ایراد شده است.

سیدالشهداء علیه السلام است و خدا سوگند یاد کرده است که از ستمکار نگذرد. خدای متعال درباره هر حرکتی که به گونه‌ای تعدی به دیگران به شمار رود، انسان را بازخواست خواهد کرد، چنان‌که در روایت آمده است: «لِيسئَلُ الْعَبْدَ عَنْ وَضْعِ ثَوْبٍ أَخِيهِ بَيْنَ إِصْبَعَيْهِ؛^۱ خدای متعال بنده خود را برای در میان دو انگشت گرفتن جامه برادرش بازخواست می‌نماید» یعنی: اینقدر حساب دقیق و بازخواست شدید است. بنابراین، دعا برای ظالمان، به ویژه کسانی که نسبت به خاندان رسالت خصوصاً امام حسین علیه السلام ظلم کرده‌اند معنایی ندارد و نباید برای آنها دعا کرد، چراکه بر پایه روایات صحیحی که در کتاب ارجمند کامل الزیارات آمده است، حضرات معصومین علیهم السلام آنان را لعن و نفرین کرده‌اند، لذا بر اساس وظیفه شرعی باید آنان را نفرین کنیم و کیفرهای سخت دو سرا را برای آنان بخواهیم تا مایه‌ی تسلی خاطر حضرت زهراء علیها السلام باشد.

ریشه تشکیک

همگان، به ویژه جوانان را به مطالعه کتاب شریف کامل الزیارات و تأمل در اهمیت روایات نقل شده در این کتاب سفارش می‌کنم. در این کتاب، روایتی نقل شده که از اختصاصات حضرت سیدالشهداء علیه السلام است

۱. ثواب و عقاب الاعمال، ص ۲۴۳.

و مانند آن درباره رسول خدا، امیرمؤمنان، فاطمه زهرا و امام حسن علیه السلام که از ایشان برتر و همگی مظلوم بوده و کشته یا مسموم شدند، نیامده است.

بر اساس این روایت، هنگامی که امام حسین علیه السلام شهید شدند، ابلیس بزرگ و رئیس همه شیطان‌ها که جمعیت چندین میلیاردی دارند به سراغ آنان رفت و به آنان سفارش کرد که مردم را نسبت به امام حسین علیه السلام و شعائر حسینی دچار شک و تردید کنند.

نوعی تشکیک برای عالمان و متخصصان است. البته وقتی از عالم سخن به میان می‌آید بدان معنا نیست که هر عالمی درستکار و خوب است، زیرا عالم بودن یک مقوله است و خوب بودن مقوله‌ای دیگر. پس هرگاه علم و خوب بودن یکجا گرد آید، شیخ مفید حاصل آن خواهد بود و زمانی که علم و بد بودن با هم جمع شود، کسانی مانند: شریح قاضی، ابوالعزاقر، شریعی، بلالی، هلالی، بلعم بن باعورا و ابن عربی چهره می‌نمایند. از آن‌جا که عالم، درس خوانده و از دانش فراوان بهره‌مند است، احتمال لغزش و خطای او بیشتر است و لذا در روایت آمده است که بدترین مکان‌های جهنم و شدیدترین عذاب‌ها برای عالم بد است.

تشکیکی که از ابلیس و دیگر شیاطین جن و انس بیان شد، درباره اقامه شعائر مقدس حسینی که از فضایل بی‌شمار برخوردار است، می‌باشد. با اینکه بخشی از این شعائر مستحب، پاره‌ای مستحب مؤکد،

بخشی دیگر واجب کفایی و حد دیگرش واجب عینی است که در محدوده تخصصی فقها قرار دارد و تبیین مراتب استحباب یا وجوب آن بر عهده عالمان و فقهاست.

اعمال خوب اعم از نماز، روزه، حج مستحب و حتی واجب، صدقه دادن، اطعام کردن، ساختن مسجد و دیگر کارهای خوب از فضایل است، اما در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله نسبت به هیچ‌یک از اعمال فوق ایجاد شک نکرده‌اند و با این‌که نماز و همه اعمال خوب باید از ریا پیراسته باشند، اما احدی قبل از نماز در مساجد یا هر عملی که اخلاص لازمه آن باشد، اعلام نکرده است که نمازگزاران ریا نکنند یا در این مورد بیانیه و کتابی چاپ نشده است.

عکس موارد فوق، در قضیه امام حسین علیه السلام بسیار و به صورت گسترده ایجاد شک می‌شود و عباراتی همانند: اقامه شعائر حسینی و نخواندن نماز، شرکت در مجالس حسینی و قضا شدن نماز و صدها ایراد مانند آن بر زبان آورده می‌شود. سؤالی که در این‌جا به ذهن می‌آید این است که آیا از میان افرادی که مسجد ساخته‌اند، حج رفته‌اند، صدقه داده‌اند و یا شب‌های قدر را احیا کرده‌اند هرگز نماز صبحشان قضا نشده است؟ حتماً چنین است، اما هیچ‌گاه چنین ایرادی مطرح نمی‌شود. وانگهی انسان نمازخوان همیشه نمازش را می‌خواند و آن‌که نمی‌خواند نمازخوان نیست و کارش هیچ ربطی به اقامه شعائر ندارد. این همان سفارش ابلیس به همه شیاطین است که بر دل‌ها و باورهای ضعیف اثر می‌گذارد. دستگاه امام

حسین علیه السلام همیشه این گونه بوده و هست و در واقع مرز میان بهشت و دوزخ است.

لعن ابدی

در طرف دیگر؛ قاتلان و لشکریان قاتلان امام حسین علیه السلام قرار دارند که لعنت شده خدا و پیامبر و اولیای الهی هستند. به عنوان مثال - چنان که بسیار شنیده‌ایم و شنیده‌اید - در چنین روزی و در ساعت‌های آخر آن، وقتی خیمه‌های امام حسین علیه السلام را به آتش کشیدند، شخصی پیش رفت تا پیراهن آتش گرفته‌ی دختر بچه‌ای از فرزندان امام حسین علیه السلام را خاموش کند. آن دردانه امام حسین علیه السلام هراسان و نگران از او شده و برای اطمینان خاطرش این سؤال را کرد و فرمود: «ألنا أم علينا؟؛ آیا با ما هستی و می خواهی کمک کنی، یا با دشمنان هستی و می خواهی انتقام بگیری» او در جواب گفت: «لا لكم ولا عليكم؛ نه با شما هستیم و نه علیه شما».

هرگاه این نکته را از واعظان شنیده‌ام، به قصد قربت او را لعن کرده‌ام، چراکه بی تفاوت بودن در جریان امام حسین علیه السلام لعن دارد، هرچند این کار او خوب بوده، اما او و تمام کسانی که در سپاه ابن سعد قرار داشتند، به فرمایش قرآن کریم از ظالمان و مستحق لعن بوده و

هستند، آن جا که می فرماید: «الا لعنة الله على الظالمين؛^۱ همانا که لعنت خدا بر ظالمان باد» حتی آن شخصی که گفت: نه تیری رها کرده‌ام و نه شمشیری زده‌ام. او که در آخر لشکر ابن‌سعد قرار گرفته بود، شبی هراسان و نایبنا از خواب برخاست و از سوزش چشم فریاد بر می‌آورد. علت را از او پرسیدند گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به من فرمود: آیا تو در کربلا و لشکر ابن‌سعد بودی؟ و سپس میله‌ای را در خون فرو کرده و به چشمانم کشیدند. گفتم: ای رسول خدا، نه تیری افکنده، نه شمشیری زده‌ام و در آخر لشکر ابن‌سعد قرار گرفته بودم.

حضرت فرمودند: «لقد كثرت السواد علی ابنی الحسین؛^۲ به تحقیق

که تو سیاهی لشکر را بر ضد فرزندم حسین فزونی بخشیدی».

این امر از ویژگی‌های امام حسین علیه السلام است که حضور یک نفر در جمع سی هزار نفری موضوعیت دارد و دشمنی با آن حضرت حساب می‌شود و همگی‌شان به فرمایش قرآن و روایت اهل بیت علیهم السلام لعنت شده‌اند.

این تشکیک‌ها و برخوردهایی که بر ضد دستگاه آن حضرت صورت گرفت و نمونه‌های فراوانی دارد و هدف از آن جمع کردن دستگاه آن حضرت بود، نتیجه عکس داشت و اگرچه چند صباحی مردم را با محدودیت روبه‌رو کرد، ولی بعدها رشد و شکوفایی فوق‌العاده‌ای یافت

۱. سوره هود، آیه ۱۸.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۳ و ۳۰۶.

که اگر از میان تاریخ برآورده شود و به صورت کتابی درآید دائرة المعارفی بزرگ در این زمینه خواهد شد.

از تاریخ که بگذریم در همین روزگار، ما نیز شاهدهی بر این ادعا داریم و برای همگان برملا شده است. به عنوان مثال می‌توان از عزای طویریج نام برد که در حدود چهل سال قبل در آن شرکت می‌کردم، این عزا از دروازه طویریج از نزد مرقد ابن حمزه یکی از فقههای بزرگ شیعه، ظهر عاشورا شروع شده و بعد از نماز ظهر و عصر به کربلا می‌رسید. شرکت‌کنندگان در این مراسم، بر سر و سینه زنان به سوی حرم امام حسین علیه السلام و از آن جا به سمت حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و سپس به خیمه‌گاه می‌رفتند. این عزا از بدو شروع تا پایان آن - که ما هم در آن شرکت می‌کردیم - از بیست دقیقه تا نیم ساعت بیشتر دوام نداشت و در ورودی صحن آن حضرت جمعیتی به عرض هشت نفر حرکت می‌کردند و حداکثر برآوردی که از آن جمعیت می‌شد پنجاه هزار نفر بود که بعضی آن را مبالغه می‌دانستند.

صدام این مراسم را منع نموده و شرکت‌کنندگان در آن و نیز دیگر مراسم عزاداری را سرکوب کرد، اما پس از سقوط وی مراسم یادشده با شکوه و جمعیتی چند ده برابر برگزار شد، به این ترتیب که به جای استفاده از یک ورودی حرم، از سه ورودی وارد می‌شدند و بیش از دو ساعت طول می‌کشید و امسال حدود چهار ساعت طول کشیده است.

این، همان اراده و مشیت تکوینی الهی و وعده‌ای است که خدای متعال به رسول خود داده و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را برای اهل بیت خود و

از جمله حضرت زینب علیها السلام بیان فرموده و حضرت زینب علیها السلام برای تسلیت و دلداری امام سجاده علیه السلام خطاب به آن حضرت می گویند: «دشمنان می کوشند پرچم عاشورا و عاشورائیان را به زیر کشند، اما همچنان بالندگی می گیرد».

خوب است مطبوعات زمان پهلوی اول (سال‌های ۱۳۱۵ - ۱۳۲۰ شمسی) را مطالعه و نکته‌های مرتبط با موضوع حضرت سیدالشهدا علیه السلام را از آن برگرفته، گردآوری کنید و به صورت کتاب درآوردید که این اقدام سبب آبرومندی شما در دنیا و آخرت است. بر پایه آن نوشته‌ها، رضا پهلوی در ابتدا پیشاپیش دسته‌های عزاداری حرکت می کرد و گل به پیشانی می مالید تا از این رهگذر، مردم را بفریبد و چون قدرت را به کمک خارجی‌ها در دست گرفت، روضه‌خوانی‌ها را منع کرد و روحانیان، عزاداران، صاحبان مجالس حسینی را به زندان و شکنجه می سپرد و آنان را خلع لباس و جریمه می نمود و اعلام می کرد: این امور خرافات است و من خرافه‌زدایی می کنم.

تیره‌بخت، سخنی را بر زبان آورد که برای دهان معاویه و دهان یزید نیز بزرگ بود، چه رسد به دهان رضا پهلوی. این سخن نیز از شبهه‌افکنی‌های شیطان و ابلیس، رئیس و بزرگ شیاطین است.

در همان روزنامه‌ها آمده است: در تهران کمتر از پنجاه مجلس برگزار می شد، اما بعد از پهلوی به حدود ۴۵۰۰ مجلس افزایش یافت.

این دگرگونی در واقع و به تمام معنای کلمه، تفسیر همان سخنی است که حضرت زینب علیها السلام برای امام سجاده علیه السلام درباره بالندگی نام و دستگاه حضرت سیدالشهداء علیه السلام بازگو کردند. با این حال، با کمال تأسف افرادی با برخورداری از هوش خدادادی، در این روایت تشکیک کرده‌اند.

یکی از فقیهان محقق و عالم معاصر مرحوم شیخ انصاری قدس سره کتابی یک جلدی با موضوع صلاة نوشته که حاصل عمر علمی او بوده و به چاپ هم رسیده و مطالب زیبایی در آن آمده است که در نوشته خود از آن نیز استفاده‌هایی کردم. همیشه در این فکر بودم که چه شده است که در صدها کتاب، از نوشته‌های شیخ انصاری استفاده شده، اما از این کتاب هیچ مطلبی نقل نشده است. سرانجام پس از کندوکاو بسیار به مطلبی از او دست یافتم که طی آن، درباره یکی از شعائر حسینی نظر فقهی منفی داشته و برای بیان آن، مثالی زشت و نکوهیده بیان کرده و همین سبب انزوا و فراموش شدن او شده و در واقع مجازات الهی بوده است. از این رو هرچه را که از او در کتاب‌های خود آورده بودم حذف کردم تا مبادا آن نکبت، کتاب مرا نیز بگیرد.

شاید او تعمدی در این کار نداشته، اما می توانسته مثالی بهتر بزند. بنابراین باید از غفلت‌ها عبرت گرفت که خدای متعال

می فرماید: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْإَبْصَارِ»^۱ و می فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ»^۲ پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید. به تحقیق که در داستان های آنان پند و عبرت است».

با توجه به این آموزه الهی چنان رفتار کنیم که گرفتار نشویم. باز تأکید می‌کنم که شما روحانیان جوان و دانشگاہیان، این موارد تاریخی را گرد آورید و بدانید همین امر مایه نزدیک شدن شما به مقام قُرب خدای متعال و مقام وجاهت نزد رسول خدا و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، به ویژه امام حسین علیه‌السلام و کارگشای شما خواهد بود، نیز توجه داشته باشید که آن فقیه معاصر شیخ و مرحوم شیخ هردو صاحب رساله بودند، اما حسینی بودن شیخ انصاری بر آن دیگری می‌چربید.

آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی قدس سره حدود هفتاد سال قبل فوت کردند، اما پس از گذشت این مدت طولانی از ذریه ایشان همچنان فقیه و مرجع تقلید هستند، چراکه حسینی بودند. در مقابل مراجعی بودند که مرجعیتی گسترده داشتند، ولی در کمتر از ده سال پس از فوت آنان، از یادها رفتند و نامشان به فراموشی سپرده شد و این از آن جهت بود که نسبت به شعائر مقدس حسینی نظر منفی داشتند.

مسلماناً نگرشی این چنینی نسبت به امام حسین علیه‌السلام و شعائر

۱. سوره حشر، آیه ۲.

۲. سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

حسینی - هر چند عمدی نباشد - ویرانگر و سوزاننده است و خدای متعال قضیه حضرت سیدالشهداء علیه السلام را با تکوین خاص و تشریح خاص گره زده و مرتبط ساخته است.

توفیق روز افزون خدمت همگان به دستگاه حضرت سیدالشهداء علیه السلام و شعائر مقدس حسینی را از خدای منان مسئلت می‌دارم.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

ایستادگی در برابر شاعر حسینی^۱

تبلیغ شعائر حسینی

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمودند: «اما تحب أن تكون فيمن يسعد فاطمه؟^۲ آیا دوست نداری جزو افرادی که حضرت فاطمه زهرا را سعادتمند نموده باشی».

در تمام عمر خود هرچه خوانده یا شنیده‌ام، در برابر این سخن بی‌مانند امام صادق علیه السلام ناچیز است. توجه داشته باشیم که این عبارت نه به معنای رضایت و خشنودی حضرت فاطمه علیه السلام که به معنای سعادت - به معنای جامع آن - نسبت به آن حضرت است.

۱. این گفتار در شام غریبان ۱۴۳۵ در جمع انبوه سوگواران و عزاداران حضرت سیدالشهداء علیه السلام ایراد شده است.

۲. کامل الزیارات، ص: ۸۳؛ بحارالانوار: ج ۴۵، ص ۲۰۹؛ عوالم العلوم: ج ۱۷، ص ۴۶۴.

در این زمینه دست‌اندرکاران شبکه‌های ماهواره‌ای نیز شایسته تشکر و قدردانی هستند، چراکه قضیه شعائر حضرت سیدالشهداء علیه السلام را به صدها میلیون و حتی ممکن است (من حیث المجموع) به هزاران میلیون انسان در سراسر جهان رسانده باشند، چه اینکه همین امر، تبلیغ است.

خدای متعال به پیامبرش می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ؛ اِی فرستاده [ای ما] تبلیغ کن» و لفظ تبلیغ در اینجا به معنای رساندن است. یادآوری این مطلب بسیار مهم است و آن اینکه ماهواره‌های شیعی در حدّ توان و امکانات خود شعائر مقدس حسینی را به مردم جهان می‌رسانند و تبلیغ نه تنها مستحب، بلکه - بنا به اجماع تمام فقهای اسلام - واجب کفایی است و مادامی که ما فیه الکفایه نباشد واجب عینی است.

اشک بر مظلوم

این تبلیغ، تبلیغ چیزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مکرر برای آن گریستند، ماجرای که خدای متعال، پیش از آفرینش آفریدگان برای جبرئیل و فرشتگان بیان فرموده و به وسیله جبرئیل برای حضرت آدم علیه السلام بازگفته و ایشان در این مصیبت گریه کرده‌اند. گریه یکی از

شعائر مقدس امام حسین علیه السلام است، آن هم گریه‌ای که در روایات صحیح ما - که در صدور آن از زبان مبارک معصوم علیه السلام شکی نیست - که فرمودند: «صرخه (شیون) زدن» یعنی مرتبه‌عالیه گریه که با بلندترین (صوت) است.

گریه کردن انواعی دارد، بدین معنا که گاهی انسان نشسته است و دلش می‌سوزد و اشکی از چشمانش جاری می‌شود. روشن باشد که بر پایه روایات صحیح، گریه بر امام حسین علیه السلام خندق‌ها (دره‌ها)یی از آتش دوزخ را خاموش می‌کند؛ دوزخی که همگان چگونگی آن را شنیده‌اند و شما نیز شنیده‌اید.

مرحوم شیخ مفید رحمته الله در آخر کتاب الاختصاص^۱ خود دو روایت آورده است: یکی در توصیف بهشت و نعمت‌های آن و دیگری در بیان اوضاع جهنم و عذاب‌های دردناک آن است. اگر فرصتی یافتید، این دو روایت را بخوانید و به هنگام خواندن روایت جهنم بکوشید که نگرید، آیا خواهید توانست؟ خیر.

ز جهنم خبری می‌شنوی دستی از دور بر آتش داری
 آری، این توصیف‌ها از بهشت و جهنم از زبان معصوم علیه السلام است و
 هم از اینان روایت شده است که فرموده‌اند: «هر کس اوصاف جهنم را

۱. الاختصاص، باب صفة النار، ص ۳۵۹.

بشود، در شگفتم که چگونه بتواند بخوابد^۱ سخت است کسی روایت جهنم را بخواند و شب را با آرامش به صبح برساند، با اینکه جهنمی بودنش یقینی نیست، اما هول و هراس اینکه - خدای ناکرده - فرجامش جهنم باشد، آرامش را از او می‌رباید. همین آتش و عذاب نابودکننده، به وسیله اشک ریختن بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام خاموش می‌شود. با این حال، تنها گریه کافی نیست و چنانکه امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام تنها درباره امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام این لفظ را به کار برده‌اند مستحب است با صرخه (فریاد و شیون) همراه باشد. این تبلیغ و رساندن قضیه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به همگان با هر گرایش و دینی؛ وظیفه است و از آنجایی که در این زمینه، کوتاهی صورت گرفته شما جوانان از این پس در این زمینه فعالیت کنید و درخواهید یافت که چه بسیار از علما و نویسندگان و شعرا و متفکران غیر مسلمان به برکت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام شیعه شدند. در تاریخ صدها داستان از این مسلمان و شیعه‌شدگان نقل شده است، وانگهی صدها غیر مسلمان برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام شعر سروده‌اند. اگر این کار تا دیروز سخت بود امروز آسان و ممکن است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۸.

مجالس بی‌شمار

گمان نمی‌کنم کسی از حاضران آمار ی تقریبی از مجالس امام حسین علیه السلام داشته باشد یا بتواند ارائه کند. در بیست و چند کشور اروپایی مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام فراوان است. شماری از اعضا و رؤسای هیئات حسینی قبل از دهه محرم نزد من آمده، آمار هیئت‌های فعال در اروپا را داده، مقدار آن را در شهرهای بزرگ اروپا بیش از صد هیئت می‌گفتند.

البته در دیگر شهرها و شهرک‌های اروپا، امریکا، آفریقا، خاورمیانه و... و در کشورهای اسلامی مجالس بسیاری برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام برگزار می‌شود. شخصی به من گفت: در کشورهای حوزه خلیج فارس، خیمه‌هایی در کنار خیابان برافراشته می‌شود و در آن مراسم سوگواری سیدالشهدا علیه السلام برگزار می‌گردد.

پرسیدم: کسی مانع آن‌ها نمی‌شود؟

گفت: هیچ کس حق ممانعت ندارد.

جوانان و مجالس حسینی

شما جوانان، کمیته‌ای ۱۰ - ۲۰ نفره تشکیل دهید و - هرچند برای چند سال آینده - آمار ی از هیئت‌های حسینی که به صورت هفتگی، دهه، ماهانه و سالانه برگزار می‌شود تهیه کنید. با وجود امکانات رسانه‌ای و ارتباطی امروز، کار به راحتی پیش خواهد رفت و کاری که

- مثلاً - علامه حلی‌ها و شیخ مفیدها اگر می‌توانستند در یک سال انجام دهند امروزه انجام آن طی چند روز امکان‌پذیر است.

فناوری ماهواره‌ای که تا امروز در اختیار دیگران بوده، شیعیان بهره‌چندانی از آن نداشتند، بحمدالله امروز از آن برخوردارند و بعضاً نیز با عنایت و توجه خاصی از آن برای رساندن پیام امام حسین علیه‌السلام و عاشورا به جهانیان استفاده می‌کنند که این نیز بایسته و شایسته تشکر و قدردانی است. بر کسی پوشیده نیست که در جهان اسلام صدها شبکه ماهواره‌ای به زبان‌های: فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسوی و غیر آن فعالیت دارند. مطلب بایسته توجه این است که جوانان شیعه در این زمینه باید غیرتمندانه و با جدیت کار کنند اما از به کار بردن این لفظ، قصد جسارت ندارم، بلکه اظهار سوز دل است.

استفاده از کانال‌های ماهواره‌ای

یکی دو سال گذشته، یکی از کسانی که در شبکه‌های ماهواره‌ای کار می‌کرد می‌گفت که سه هزار شبکه ماهواره‌ای در دنیا فعال است. شهرهای عراق، ایران و دیگر کشورها با وجود چنین گستردگی رسانه‌ای، آیا از مراسم عاشورای امسال گزارش نقل کرده‌اند؟! این در حالی است که در گوشه‌ای از دنیا - که نام آن به گوشم نخورده بود - ماجرای دعوا و منازعه میان دو نفر را یکی از شبکه‌های خبری جهانی غربی در ۲۴ ساعت، ۴۸ بار به طور خلاصه و مشروح پخش کرد.

این شرایط می‌طلبد که شما جوانان در قضیه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و معرفی آن به جهانیان غیرت و همت بیشتر به خرج دهید. به عنوان مثال عزای طویریج باید به جهان معرفی شود. من توفیق دنبال کردن این موارد را ندارم، اما به من گفتند که عزای طویریج امسال قریب چهار ساعت طول کشید که میلیون‌ها نفر از کارگر، کارمند، وزیر، نماینده، استاندار، فرماندار، عالم، مرجع تقلید، پزشک، مهندس، خبره‌های اقتصاد، سیاست و علوم دیگر، فرهیخته، نویسنده و روحانی در آن شرکت کردند. از دیرباز نیز وضع به همین منوال بوده است، چراکه از سید بحرالعلوم تا ملا آقای دربندی، امثال شیخ انصاری‌ها و چنانکه خود دیده‌ام مراجع و مجتهدان در آن شرکت می‌کردند. این، جریانی شکوهمند است که در روی کره زمین همانندی ندارد. وزیری که حاضر نیست دو قدم بدون جوراب راه برود و آن را کسر شأن خود می‌داند، ولی در این مراسم پای برهنه بر سر و سینه می‌زند، حسین می‌گوید و به این کار خود افتخار می‌کند و البته دیگران و ما نیز آن را برای او افتخار می‌دانیم.

جوانان باید همت کنند و عرصه را برای دشمن خالی نگذارند، چون دشمن در صدد نابود کردن شعائر مقدس حسینی است که بخشی به دست خود آنان و بخش دیگری به دست مزدوران و یا فریب‌خوردگان‌شان صورت می‌گیرد.

به تازگی مردی از اهالی تهران به نقل از پدرش برای من صحبت

می کرد و می گفت: روزگار پهلوی اول (رضا شاه) که عزاداری را منع کرده بود، به خانه‌ای که در آن روضه برقرار بود حمله کردند و حاضران را گرفتند. یک خانم چادری نیز در مجلس حضور داشت که مأموران چادر از سرش برداشته، او را کتک زدند.

آن زن در واکنش به رفتار مأمور - یا بهتر است بگوییم «حصب؛ سنگ و هیمه» جهنم - چیزی می گوید و آن مأمور، بی پروا پاسخ می دهد: اگر زینب هم اینجا می بود چادر از سرش برمی داشتم و کتکش می زدم.

با توجه به حقانیت انکارناپذیر وعده خدا و اراده اش و حقانیت روایات، می بینیم که این موجودات فرجامی جز کیفر الهی و در نهایت دوزخ ندارند؛ چیزی که در تاریخ بسیار ثبت شده است و گستاخی این مأمور، نتیجه مزدوری یا فریب خوردگی اش از دشمن بوده و شاید خودش هیچ گونه دشمنی با اهل بیت علیهم السلام نداشته است.

حال که ۸۰ - ۹۰ سال از آن روزگار می گذرد شاهد حضور و فعالیت پر شمار هیئت های عزاداری در تهران و دیگر شهرها هستیم. در مقابل از پهلوی و مزدورانش خبری نیست. چرا برخی از این حوادث عبرت نمی گیرند؟! به راستی که اگر کافرِ ظالمِ دور از اهل بیت علیهم السلام این کار را بکند، جای افسوس دارد (مثلاً) اما کسی که خود را پیرو اهل بیت علیهم السلام می داند، چرا چنین می کند!؟

به نظر اینان آیا این همه روایات کتاب کافی، بحارالانوار، کامل الزیارات و تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام همه‌اش دروغ است؟

شما جوانان در تبلیغ و رساندن شعائر مقدس حسینی به دنیا از هیچ کاری فروگذار نکنید. ممکن است که همسایه خود را ارشاد و تبلیغ کنید و سودی نبخشد، اما همین امر به وسیله ماهواره، ساکن یک روستا در سی هزار کیلومتر آن طرف‌تر را هدایت کند، لذا بکوشید. مسلماً کسی مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله سراغ نداریم که از دل سخن بگوید و سخنش گیرا باشد، اما بعضی از اصحاب آن حضرت مدتی طولانی با ایشان مصاحبت داشتند و کمترین بهره‌ای از وجود حضرتش نبردند، اما در مقابل، بسیاری از ساکنان دوردست‌ها با شنیدن خبر رسالت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورده، تابع و حتی هدایتگر شدند. ما هیچ دلیل عقلی، عقلایی و شرعی نداریم مبنی بر اینکه در امر تبلیغ ابتدا باید از شهر خود شروع کنیم، سپس به دیگر جاها پردازیم.

در زمانی که منافقان در نزدیکی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه زندگی می‌کردند، آن حضرت به سران دیگر جاها و شاهان و دیگر اقشار نامه دعوت برای پذیرش اسلام می‌فرستادند و خیلی‌ها نیز در فاصله‌های چند هزار کیلومتری هدایت شدند.

خدا گذشتگان را رحمت کند، مرحوم والد ما - که خدایش رحمت فرماید - در عمل و گفتار پایبند و معتقد بودند که شعائر مقدس

حسینی بر دیگر شعائر اسلام گاهی و عندالتزام^۱ مقدم است. سالخوردگان - که نماز جماعت ایشان را در صحن مقدس امام حسین علیه السلام - درک کردند به یاد دارند که مرحوم والد الدواعی، صبح، ظهر و شب در صحن ملکوتی امام حسین علیه السلام نماز جماعت می خواندند. در موسم اربعین حسینی و به دلیل تردد دسته‌های عزاداری حسینی در صحن امام حسین علیه السلام برای اقامه نماز جماعت با تمام فضیلت‌هایی که دارد، به صحن نمی‌رفتند و در برابر اصرار مؤمنان برای اقامه نماز جماعت می‌فرمودند: به همین مقدار هم نمی‌خواهم مزاحم شعائر مقدس حسینی شوم.

آن زمان تعداد دسته‌های عزادار به این زیادی نبود و البته شبانه‌روز در تردد بودند. با توجه به اینکه نماز جماعت از شعائر اسلام است، اما ایشان به همین مقدار هم نمی‌خواستند مزاحم عزاداری باشند.

هم‌رتبه رسولان

یک کلمه در سخن امیرمؤمنان علیه السلام وجود دارد که شیخ صدوق و علامه مجلسی رضوان الله علیهما در بحار و دیگران در جاهای دیگر آورده‌اند. این کلمه که یک دنیا معنا دارد و درباره پیامبران و امامان علیهم السلام آمده است و آن: «اختاره؛ او را برگزید» است. منطوق این کلمه آن است که

۱. تزاحم اصطلاحی حوزوی است، یعنی دو مورد مطلوب است لکن یکی مقدم است و رجحان دارد.

خدای متعال، رسولان را به اراده خود انتخاب کرد و کار را به اکثریت واگذار نکرد. حضرت زهرا علیها السلام نیز با همین لفظ برگزیده خدا شدند. امام علی بن ابی طالب علیه السلام درباره آن دسته از شیعیانی که در راه تبلیغ شعائر اهل بیت علیهم السلام می کوشند، همین لفظ را به کار برده‌اند و در واقع این افراد را در ردیف پیامبران و ائمه علیهم السلام قرار داده‌اند. به دیگر بیان، شمایی که شعائر اهل بیت علیهم السلام و شعائر امام حسین علیه السلام که مهمترین شعائر است را تبلیغ می‌کنید و به دیگران می‌رسانید، در واقع برگزیده خدای متعال هستید و او شما را برای این کار انتخاب کرده است.

مظلوم بی‌مانند

یک مطلب را یادآوری می‌کنم و آن اینکه در روایت آمده است: «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله؛^۱ هیچ روزی چون روز تو نیست ای ابا عبدالله». در این معنا خدای متعال، پیامبران، اهل بیت علیهم السلام نیز عملاً این روایت را ثابت کرده‌اند و آنچه را خدای متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصوم علیهم السلام درباره شعائر امام حسین علیه السلام فرموده‌اند، درباره موارد دیگر نفرموده‌اند.

در سراسر دنیا مظلومان فراوانی کشته شده‌اند، از جمله در جریان یمن به دستور معاویه بیش از سی هزار شیعه کشته شدند که همگی

۱. سید بن طاووس، در کتاب شریف (اللہوف فی قتلی الطفوف)، ص ۵۳.

بی‌گناه بودند. در واقعه حرّه نیز طی سه روز حدود یازده هزار نفر کشته شدند و زن و کودک نیز میان کشتگان بودند.

علامه حلی، علامه مجلسی، شیخ عباس قمی رضوان الله علیهم و دیگران نوشته‌اند: مردم مدینه به مسجد پیامبر ﷺ پناه بردند و سپاه یزید - که خدا لعنتشان کند - وارد مسجد شدند و آن قدر از پناه‌گرفتن در مسجد را کشتند که بنا به نقل تاریخ: «حتی وصلت الدماء الی قبر رسول الله^۱؛ تا آنکه خون‌ها به قبر رسول الله ﷺ رسید».

مسلماً قبر از سطح زمین بلندتر بوده، حال یک وجب یا بیشتر بوده است. آن سفاکان خون‌آشام آن قدر خون مردم بی‌گناه را ریختند که به سنگ قبر پیامبر ﷺ هم رسید. این‌ها قطعاً مظلوم بودند. جنایات متوکل، هارون، مروانیان و... در کشتار زائران امام حسین علیه السلام و غیر آن روزهای دردآوری بودند، اما فقط درباره امام حسین علیه السلام چنین تعبیری آمده است.

برداشت من این است که خدای متعال اراده فرموده است تا روز عاشورا روزی منحصر به فرد باشد. البته فجایع روز عاشورا بی‌نظیر است، چراکه آن همه مصیبت بر قلب حضرت سیدالشهداء علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام وارد شده بود. قلب امام حسین علیه السلام توان تحمل آن را داشت،

۱- منهاج الکرامه (للعلامة الحلی)، ص ۸۳.

اما قلب حضرت زینب علیها السلام این گونه نبود، لذا امام علیه السلام دست خود را بر قلب خواهر گذاشتند و به او آرامش بخشیدند.

خدای متعال پیش از آنکه آفرینش را بیافریند و خاندان رسالت نورهایی بودند در گرداگرد عرش؛ چنین روزی را برای امام حسین علیه السلام مقدر فرموده بود که به قول علما، آن در مقام ثبوت است و فرموده معصوم درباره عاشورا مقام اثبات است.

در مقابل، دشمنان و آنانی قرار دارند که به اصحاب، شهدا و امام حسین علیه السلام ظلم روا داشتند حتی کسی که فقط در سپاه دشمن قرار داشت و جنایت دیگری مرتکب نشد. (در اینجا قدری تأمل لازم است) یک نفر اگر به سی هزار نفر اضافه شود، تأثیری بر قدرت و عملکرد آن‌ها ندارد و اگر کم شود از توانمندی آنان نمی‌کاهد و اصلاً حضور یا عدم حضور او محسوس نیست، اما وجودش سیاهی لشکر را بیشتر می‌کند به حساب یک در سی هزار. با این اوصاف، شخصی که در عاشورا در کربلا حضور داشت در عالم رؤیا رسول خدا صلی الله علیه و آله را دید و مورد بازخواست ایشان قرار گرفت، لذا گفت: من از میدان جنگ دور بودم و هیچ کاری نکردم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند: «کثرت السواد علی ابنی الحسین؛^۱

۱- سید ابن طاووس، در کتاب شریف (اللاهوف فی قتلی الطفوف)، ص ۸۱.

سیاهی لشکر را بر [ضد] فرزندم حسین زیاد کردی». با اینکه یک نفر نسبت به سی هزار نفر در فراوانی سیاهی لشکر تأثیری ندارد، اما رسول خدا ﷺ این گونه فرمودند. چهارده قرن از عاشورای سال ۶۱ قمری می گذرد و پیش از آن عاشورایی نبوده است، اما خدای متعال سوگواره عاشورا را برای جبرئیل باز می گوید تا آن را برای فرشتگان نقل کند، آن هم هنگامی که نه زمان بوده و نه مکان و نه هیچ آفریده‌ای زمینی و نه زمین، هیچ کدام وجود نداشت. پس از عاشورای سال ۶۱، عاشوراها پیاپی آمده و تا ابد خواهد آمد و «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله» با تمام لوازمش و طرفین آن استمرار خواهد داشت.

حسینی باشیم

انسان باید سعی کند در جبهه حضرت سیدالشهداء ﷺ یعنی حسینی‌ها باشد و در این راه همت کند و زحمت بکشد. البته در این میانه مشکلاتی مالی، بدنی و مشکلات خانوادگی وجود دارد و اصلاً جریان امام حسین ﷺ محکی است برای مردم؛ اینکه عده‌ای که با رنج و بلا و سختی دیدن، از مقامات بالا برخوردار شوند و عده‌ای با آزار دادن، بر درکات جهنمی آنان افزوده شود.

چنین به نظر می رسد که بعد از واقعه عاشورا تا به امروز، زیارت امام حسین ﷺ با مشکلات و تنگناها همراه بوده است، چراکه زائران کتک خورده‌اند و شکنجه شده‌اند، به بند و زندان گرفتار شده‌اند،

خانه‌هایشان را بر سر زن و فرزندان‌شان ویران کرده‌اند که تمام این ظلم‌ها تنها و تنها به دلیل رفتن به زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام بر آنان رفته است.

در همین سال‌های گذشته بعضی‌ها برگزارکنندگان شعائر امام حسین علیه السلام را با گلوله، موشک و هواپیماهای جنگی مورد حمله قرار دادند. بنا نیست که شعائر مقدس حسینی تهی از مشکلات باشد، بلکه همراه و آمیخته با مشکلات است. البته این بدان معنا نیست که انسان مشکل‌طلب باشد، بلکه از مشکل نباید فرار کند.

یکی از شعائر مقدس حسینی علیه السلام وجود دارد که در طول برپایی آن حتی یک مورد فوت دیده نشده است که بسیار عجیب است. درباره این بخش از شعائر حسینی علمای بزرگی چون آیت الله العظمی سید عبدالحسین شرف الدین و آیت الله شیخ عبدالحسین صادق رضوان الله علیهما و دیگران ده‌ها کتاب نگاشته‌اند که یک اثر از آن‌ها فعلاً نزد من است، به نام «نصرة المظلوم» که نوشته علامه بزرگوار مرحوم شیخ حسن مظفر رحمته الله است. در این کتاب آمده است: «از علما و صلاحی متعددی که سالخورده هستند، پرسیدم: در عمر خود هیچ شنیده‌اید کسی در این بخش از شعائر حسینی مرده باشد؟». پاسخ منفی بود.

مرحوم کاشف الغطاء رحمته الله که حدود پنجاه سال قبل فوت کرده، در کتاب خود نوشته است: «مدت شصت سال است که این شعیره حسینی

را دنبال می‌کنم، اما نشنیده‌ام کسی به علت انجام این مراسم حسینی در کربلا، نجف، بصره، ناصریه، بغداد یا جای دیگری مرده باشد». البته این مراسم روز عاشورا، در تمام قاره‌های پنجگانه دنیا برپا می‌شود.

چند سال قبل در یکی از کشورهای حوزه خلیج اعلامیه‌ای منتشر شد مبنی بر اینکه شخصی در پی انجام این مراسم مُرده است. جوانان غیور قضیه را دنبال کردند و به دروغ بودن آن پی بردند و اینکه کسی با چنین نامی در آن شهر وجود ندارد و اعلامیه‌ای هم منتشر کردند. به راستی جعل کننده این خبر چه انگیزه‌ای داشته و آیا می‌دانسته که در روز قیامت باید جواب خدا و پیامبر ﷺ را بدهد؟ پیامبری که در عالم خواب، چشم سیاهی لشکر را میل آهنی کشید و کور کرد.

این مراسم یک معجزه است، چراکه در عین خونبار بودن حتی یک مورد گزارش واقعی از فوت ناشی از آن وجود ندارد. این در حالی است که در بقیه شعائر گاهی فوت بوده، یک مورد مرثیه‌خوان در حال نوحه‌سرایی بود که افتاد و جان به جان آفرین سپرد و به بهشت رفت.

کسانی که در برگزاری شعائر حسینی از هر نوع که باشد صدمه ببینند، اگر به فرموده امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ توجه کنند، دیگر نگران نخواهند بود.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در روایتی پاداش انواع بلاهایی که بر عزادار امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ وارد شده است به تفصیل بیان فرموده‌اند، از قبیل: زدن و بستن، زخمی شدن، کشته شدن و حتی جاری شدن اولین قطره خون

کسی که کشته می‌شود.

این روایت را همگان باید بخوانند، وانگهی حیف است که انسان در این راه صدمه‌ای نبیند، در مقابل اگر کسی در این راه دچار گرفتاری شد ناراحت نباشد، بلکه باید خوشحال باشد که در لیست صدمه‌دیدگان در راه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار گرفته است.

همین دیروز کسی نوشته بود که افرادی که گونه خاصی از شعائر حسینی را برگزار می‌کنند، نماز صبح نمی‌خوانند!

ما که وکیل نعمت‌های خدا و عذاب خدا نیستیم، اما روایاتی خوانده و دیده‌ایم. به راستی این نویسنده به چند میلیون انسانی که روز عاشوراها سال‌های متمادی، این شعیره مقدسه را انجام داده و نماز خوان هستند تهمت بی‌نمازی زده است؟ این فرد چه فرجامی دارد و جایش کجاست؟

متأسفانه او آخوند است. شمر هم آخوند بود، مگر معاویه و یزید آخوند نبودند؟ هم نماز جمعه می‌خواندند و هم موعظه می‌کردند. به فرموده قرآن کریم امام دو قسم است که یکی از آنها امام ضلالت است که می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ»^۱ و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می‌خوانند گردانیدیم.»

۱. سوره قصص، آیه ۴۱.

در واقع امیرمؤمنان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ امام هدایت هستند و معاویه امام گمراهی است.

وانگهی اگر کسی نماز نخواند این بخش از شعائر بد می‌شود؟ اگر از تمام فقهای اسلام بپرسید یکی از آنان این مراسم حسینی را حرام نمی‌داند به مجرد اینکه شخص نماز نمی‌خواند. کسی که چنین چیزی را می‌گوید رساله عملیه را بلد نیست.

کسی که در حال نماز به نامحرم نگاه کند، نمازش باطل و حرام نیست، بلکه فعلش حرام است و پاداش نمازش ممکن است از بین برود و واجب نیست نمازش را دوباره بخواند.

شوربختانه یک فرد معمم که با رساله عملیه و احکام آشنا نیست، به عنوان یک عالم مطلبی نوشته، آن را منتشر می‌کند. این، امتحان الهی و یکی از وجوه مظلومیت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و مفهوم «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله» است. به هر حال عده‌ای به این صورت و در این آزمون بالندگی گرفته یا سقوط می‌کنند.

مرحوم میرزای نائینی قَدْ سَمِعْتُهُ در جواب‌هایی که داده همین مثال‌ها را آورده است. بله، ترک نماز بسیار بد و نکوهیده است. شخصی به من می‌گفت: با خون چگونه نماز می‌خوانند؟

در آنجا لفظ بیچاره به کار نبردم، ولی اینجا می‌گوییم: بیچاره، برو رساله عملیه را بخوان تا بدانی که خون قروح و جروح معفو است در

نماز و در نماز اشکال ندارد.

اجماع فقهای اسلام بر این است که اگر قرح و جرح اختیاری باشد یا غیر اختیاری، مسأله اش متفاوت و خون ناشی از غیر این مورد اگر از یک درهم بغلی بیشتر باشد باید آن را شست یا لباس را عوض کرد. حال اگر سراسر بدن انسان به خون قرح و جرح آلوده باشد، و مقدار واجب سجود - که بنابر نظر بعضی فقها به اندازه یک ناخن پاک باشد - همان کفایت می‌کند و در مورد سجده، اگر کل پیشانی به خون قرح و جرح آلوده بود، ولی دو طرف پیشانی پاک باشد همان را بر خاک بگذارد.

متأسفانه کسی که رساله نخوانده است به عنوان یک عالم کتاب نوشته، بر خلاف اجماع فتوا می‌دهد. امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «المفتی علی شفییر جهنم؛^۱ فتوا دهنده بر لبه پرتگاه جهنم قرار دارد». این روایت برای بَقَال، عطار و امثال آنان نیست، بلکه درباره عالمان سوء و بد است. پس از به شهادت رسیدن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز هر دو طرف به سختی مورد آزمون قرار گرفتند. حضرت فاطمه زهرا عَاصِمَةُ فرمودند: «با شهادت پیامبر خدا احترام از میان برداشته شد» (وازیلت

۱- منیة المرید (للشهید الثانی)، ص ۴۷.

الحرمة^۱.

با این وجود درباره شهادت رسول خدا ﷺ عبارت: «لا یوم کیومک یا رسول الله» نیامده است. گرچه قضیه فاجعه بار کربلا نتیجه رخدادهای پس از شهادت رسول خداست.

شهادت امیرمؤمنان ﷺ، حضرت زهرا ﷺ، شهادت امام حسن ﷺ و حضرت موسی بن جعفر ﷺ و شکنجه‌هایی که در حق ایشان اعمال شد و آزارهایی که بر خانواده ایشان در مدینه تحمیل شد، هیچ کدام به پایه عاشورا نمی‌رسید و چنان عبارتی را به خود اختصاص نداد. خانواده امام کاظم ﷺ به دلیل نداشتن ملابسه در زمستان در رنج بودند و شب‌ها نخوابیده، روزها در آفتاب می‌خوابیدند؛ با این وجود، در تمام این فجایع گفته نشد «لا یوم کذلک الیوم».

شما که با پول، توان بدنی، ابزار علمی به حضرت سیدالشهداء ﷺ خدمت می‌کنید قدر این نعمت را بدانید و توجه داشته باشید که مصداق «اختاره» خواهید بود. از خدای متعال می‌خواهم کسانی که توفیق در این راه را یافته‌اند، این توفیق را بر آنان مستدام بدارد و بیش از پیش بر توفیقاتشان بیفزاید و فراتر اینکه امتحانشان نکند.

۱- بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۸.

علامه مجلسی در کتاب صلاة بحار الانوار، در بین دعای قنوت‌هایی که ذکر کرده یک قنوت از امام حسین علیه السلام آورده که قابل توجه و تأمل است. از ظاهر روایت بر می‌آید که امام علیه السلام این قنوت را نه تنها در روز عاشورا که قبل از عاشورا نیز می‌خواندند. ایشان به درگاه خدای متعال عرض می‌کردند: «وَأَعِذُ أَوْلِيَاءِكَ مِنَ الْإِفْتِتَانِ بِي؛^۱ و اولیای خود را از آزمون شدن به [خون و جنگ] من پناه ده».

مگر ممکن است که اولیای خدا جهنمی بشوند؟ آری، ممکن است. این، مطلب سنگینی است که - العیاذ بالله - انسان شصت سال از اولیای خداست، اما فرجام کار با سر وارد جهنم بشود. مسلم اینکه روایات راست و حیف است که انسان، خود را بد فرجام کند. شما دست دیگران را بگیرید و در مسیر مستقیم قرار دهید و تا آنجا که ممکن است آنان را نصیحت کنید.

در خاتمه توفیق روز افزون همگان در خدمت به جریان عظیم امام حسین علیه السلام و فعالان در زمینه اقامه شعائر حسینی را از خدای متعال مسئلت می‌نمایم.

«وصلی الله علی محمد وآله الطاهیرین»

عاشورای بی پایان^۱

منتقم حقیقی

امام زمان عجل الله فرجه به امر و فرمان خدای متعال، منتقم و خونخواه جدشان امام حسین عاشوراء هستند و این لقب را خدای متعال از یکی از نام‌های حسنی خود که منتقم بوده برگرفته و برای ایشان اختیار نموده است. البته در روایات آمده است که خدای قادر و منتقم، خود انتقام گیرنده خون امام حسین عاشوراء هستند که این کار به دست امام زمان عجل الله فرجه و با اذن خدای متعال انجام می‌گیرد. با مراجعه به کتاب گرانسنگ بحارالانوار، این مطلب به خوبی روشن می‌شود. مرحوم علامه مجلسی قدس سره در این معنا فرموده است: «إن الله هو الذی یشأر لدم

۱- این گفتار در شام غریبان ۱۴۳۶ق در جمع انبوه سوگواران و عزاداران حضرت سیدالشهداء علیه السلام ایراد شده است.

الحسین عَلَيْهِ السَّلَام؛ قطعاً خدا خود خونخواه و منتقم خون امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام است.» از این که چنین انتقامی ما را نیز - در اثر کوتاهی در ادای مسئولیت - در بر بگیرد، باید به خدا پناه برد.

خدای متعال، منتقم بودن را برای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام مقرر فرموده است، به این معنی که منتقم و خونخواه حقیقی از برای حضرت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام خدای متعال است که گوشه‌ای از آن به دست پرکفایت حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام در این دنیا و در ملاء عام تحقق پیدا می‌کند. اینکه بیان شد، به جهت آن است که انتقام بزرگ در برزخ و آخرت بوده به اضافه دنیا که همه هستی و آفرینش از سوی خدای متعال مأموریت دارند خونخواه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام باشند.

ضمانتی جهان‌شمول

در زیارت صحیح و معتبر حضرت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام عبارتی وجود دارد که انسان هرچه در آن بیندیشد و برای درک معنای آن به روایاتی که در این باره آمده است مراجعه نماید یا از بزرگان اهل فن حدیث پرسش کند، به غور معنی و عمق دلالت آن نرسیده و نخواهد رسید و آن عبارت: «وَضَمَّنَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكٍ وَثَارِكٍ؛ خدای متعال انتقام و خونخواهی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را به عهده زمین و آنچه بر زمین از انسان و مخلوقات است، مقرر نمود.»

به دیگر بیان، تمام هستی از جن و انس و همه مخلوقات و موجودات حتی آن انگشتی که از نقره و عقیق ساخته شده و به دست یکایک ما قرار می گیرد، در این قضیه مسئول و مأمورند. مرحوم علامه مجلسی، مرحوم فیض کاشانی، مرحوم سید عبدالله شبر رضوان الله علیهم و جز آنان که در روایات اهل بیت علیهم السلام کار کرده و موفق تر بوده اند، وقتی به جمله «وَضَمَّنَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكٍ وَثَارِكٍ» می رسند، چپستی موضوع برایشان سؤال برانگیز است.

امام باقر علیه السلام به شیعیان فرمودند: هرگاه در روز عاشورا به یکدیگر می رسید، با عبارت «جَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِثَأْرِهِ»؛ خدای متعال ما و شما را از خونخواهان امام حسین علیه السلام قرار دهد» تسلیت بگویید.

مرحوم شهید، با سند و بزرگانی همانند علامه مجلسی و جز ایشان - که خدای شان آنان را مشمول رضوان خویش قرار دهد - روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که می فرمایند: «إِنْ لَقِيتَ الْحُسَيْنَ علیه السلام حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»؛ به یقین از برای شهادت و مظلومیت امام حسین علیه السلام داغی بر دل مؤمنان نهاده شده که هرگز به

۱ - کامل الزیارات، ص ۱۷۵ و مصباح المتعبد، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲ - مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، حدیث ۱۲۰۸۲.

سردی نگراید».

چنان که آن حضرت وعده فرموده‌اند، ماجرای مصیبت عاشورا کهنگی نمی‌گیرد و روز به روز بالندگی و گستردگی می‌یابد و بر اساس همین وعده، اگر در جایی بخواهند آن را بی‌رنگ و محدود کنند، در جاهایی دیگر صدها برابر ظهور پیدا می‌کند.

این روایت شریف رسول خدا ﷺ از نظر ادبی به متخصصان ادبیات زبان عرب بر می‌گردد چراکه چینش الفاظ، حصر و اختصاص را می‌رساند بدین معنا که حرارتِ داغ خاموش نشدنی در دل مؤمنان فقط و فقط برای شهادت و مظلومیت امام حسین ﷺ است. البته مکرراً عرض کرده‌ام و تشکیکی به وجود نیاید و شکی هم نیست که طبق فرمایش امام حسین ﷺ چهار تن (رسول خدا، امیرمؤمنان حضرت علی، حضرت فاطمه و امام حسن مجتبیٰ ﷺ) از امام حسین ﷺ برترند، ولی چنین بیان و تعبیری برای آنان نه شنیده و نه دیده شده و تنها به امام حسین ﷺ اختصاص دارد.

آنان که می‌خواهند ویژگی‌ها و خصائص امام حسین ﷺ را یکجا تدوین کرده و گرد آورند، خوب است به کتاب‌هایی با همین مضمون خصائص مراجعه کنند که بزرگانی در روزگاران گذشته نوشته‌اند و آنچه در این زمینه ثبت و ضبط نشده است را بنویسند و به اندازه توان و توفیق، تکمیل کنند. داغی که از آن در همین روایت پیامبر اکرم ﷺ

یادشده از ویژگی‌ها و خصائص امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و نیز از نشانه‌های ایمان، آن هم از نوع عالی آن است.

از این رو هر شخص می‌تواند با سنجیدن میزان این داغ نسبت به مصیبت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در دل خود، مرتبه و درجه ایمان خود را بداند. این که واژه ی «حرارة» نکره آمده و در سیاق نفی واقع شده، خود ظهور در عموم دارد و معنای همیشگی را می‌رساند و دیگر نیازی به واژه «ابداً» نبوده ولی در عین حال جهت تأکید بیشتر باز هم کلمه ی «ابداً» را فرمودند. روشن باشد که زن و مرد در این مقوله یکسان هستند.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از امری تکوینی سخن گفته اند که غالباً مقدمات وجودی آن اختیاری است، بدین معنا که انسان می‌تواند آن را با این مقدمات به دست آورد، مثلاً به ذکر مصیبت گوش دهد، خود به گوشه‌ای پناه برده، کتاب مقتل و سوگنامه‌ای بخواند و در بستر و قبل از خواب، مصیبت‌های آن حضرت را از ذهن بگذراند و مانند آن، این حرارت را پایدار کرده و ماندگاری می‌بخشد.

حدود پنجاه سال قبل، به مناسبت مبعث رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای تشرف به زیارت امیرمؤمنان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام به نجف اشرف سفر کرده بودم و یکی از علما نیز آن‌جا بود. در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قَدْ سَلَّمَ به مناسبت مبعث نبوی مراسمی برگزار شد که قریب به

اتفاق حاضران برای امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام گریه کردند. ماجرا از این قرار بود که یکی از آقایان که آن زمان جوانی بود به من گفت که مدت پنج سال اشکی نریخته و از این وضع ناراحت است، چراکه در ایام عاشورا و هنگام مقتل خوانی همه گریه می کردند، ولی او گریه اش نگرفته و این موضوع برای او بسیار سنگین بود.

او به دلیل حشر و نشر با روحانیان به یکی از واعظ گفته بود که اگر با ذکر مصیبتی او را بگریاند، هر چه بخواهد به او خواهد داد و مبلغ پیشنهادی به واعظ پنج برابر شهریه یک طلبه مجرد بود. واعظ هر چه خوانده بود در او اثر نکرد و قطره اشکی از چشمانش فرو نریخت.

همین شخص در مدرسه آیت الله العظمی بروجردی قدس سره به من گفت: به اندازه پنج سال گریه کردم. خدا رحمت کند شخصی که سبب این جریان شده بود.

انسان باید در پویا نگاه داشتن این حرارت بکوشد و از کاهش آن جلوگیری و از ارتکاب گناهایی که این حرارت را فرو می نشاند پرهیز نماید.

یکی از این گناهان، ظلم و ستم است و علی الخصوص از زوج به زوجه و یا زوجه به زوج، یا والدین به اولاد و یا اولاد به والدین که باید پرهیز شود چرا که حرارت و داغ دل را بر امام حسین علیه السلام فرو می نشاند. گاهی انسان مرتکب ظلم و ستم‌هایی می شود که تصور دارد ظلم نیست، اما در حقیقت ظلم است که اگر در جهل خود نسبت به این

ظلم مقصر باشد، عذری از او پذیرفته نمی‌شود.

یکی از این ظلم‌ها را که علامه مجلسی در بحار آورده و دیگران نیز نقل کرده‌اند، توجیه کارهای خطا و اشتباه است، بدین معنا که برای اشتباه و خطای دیگران به جای توجه دادن، عذرتراشی و توجیه کنند. به عنوان مثال، شخصی که دیگری را دوست دارد، سعی کند کار یا گفتار نادرست او را توجیه کند و این درست بر خلاف فرمایش رسول خدا ﷺ است که فرمودند: «انصر اخاک ظالماً ومظلوماً؛^۱ برادر خود را چه مظلوم و چه ظالم باشد یاری کن» سؤال شد: یا رسول الله یاری کردن مظلوم معلوم است، یاری نمودن ظالم چگونه است؟ حضرت فرمودند: یاری کردن ظالم به این است که او را از ظلم باز داری. و خلاصه این گناه یکی از گناهیانی است که داغ درون را فرو می‌نشانند چراکه شریک شدن در ظلم و ستم به شمار می‌رود. پر واضح است که مقداری از این فرو خفتن حرارت و داغ درون، اختیاری است، پس نباید اجازه داد این حرارت - که بنای آن بر هرگز سرد نشدن است - به سردی گراید، چراکه مراتب و درجات ایمان هرچه بالاتر باشد، در گرم نگاه داشتن این حالت مؤثرتر است.

اگر جایی فردی را دیدیم که ماجرای شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در او

۱. نهج الفصاحه، ص ۱۱۱، حدیث ۵۶۱.

سوز و حرارت ایجاد نکرده است، دستش را گرفته، به مجالس ببریم و با بیان داستان و روایات، آنان را به مراتب عالیه ایمان برسانیم و اجازه ندهیم از این موهبت الهی محروم شوند. این مقوله جزء امر به معروف است که مراتبی و مواردی از آن، واجب کفایی است که در صورت عدم وجود افرادی که به این امر بپردازد، واجب عینی می شود و بر همگان از هر قشر و طبقه ای واجب است.

نخستین عزادار

سابقه تاریخی بیان مصیبت حضرت سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام به خدای متعال برمی گردد، زیرا خدای متعال به وسیله جبرئیل امین برای پیامبران پیغام فرستاد و آنان را از ماجرای که بناست در کربلا رخ دهد آگاه فرمود. حضرت ابراهیم خلیل الرحمان عَلَيْهِ السَّلَام که پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت حضرت، بنا به آنچه در روایت آمده است، برترین و بالاترین مرتبه را داشت، چراکه خدای متعال همچنانکه حضرت خاتم را حبیب خود معرفی نموده حضرت ابراهیم را خلیل خود دانسته، در این باره فرمود: «وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا؛ و خدا ابراهیم را خلیل خود انتخاب کرد»^۱

آری! حضرت ابراهیم با این مقام و منزلتی که دارد - طبق روایت -

۱- سوره مبارکه نساء، آیه ۱۲۵.

عبورشان در چند هزار سال پیش از ولادت امام حسین علیه السلام به سرزمین کربلا می‌افتد و در اثر لغزیدن اسب و سرنگون شدن حضرت، سر مبارکشان شکسته، خون از آن جاری می‌شود. آن حضرت به درگاه خدا عرضه می‌دارد: خدایا این عقوبتی بود بر اشتهاهی که ممکن است ناخواسته از من سر زده باشد؟ - که خود این درس است برای ما - آن‌گاه خطاب می‌رسد: این، عقوبت و مجازات نیست، بلکه به این جهت است که امام حسین علیه السلام در این سرزمین کشته می‌شود و اراده کردیم که خون تو نیز در این سرزمین جهت تاسی و مواسات با او ریخته شود. در این زمینه بزرگان، محققان و فقیهان پرهیزگار و پارسای بسیاری با استفاده از ادله فراوان، مطالبی عجیب بیان داشته‌اند. از جمله این بزرگان شیخ خضر بن شلال است که بزرگان علمای نجف اشرف برای برآمدن حاجت‌های خود، سر قبر او رفته، فاتحه‌ای می‌خوانند و همان روز حاجتشان برآورده می‌شد. من نیز برای برآمدن حاجتی بر سر قبر او رفته، فاتحه‌ای خواندم و همان روز و از جایی که تصور نمی‌شد حاجتم برآورده شد.

بزرگانی همانند آقا بزرگ تهرانی صاحب دائرة المعارف ارزشمند «الذریعة الی تصانیف الشيعة» و دیگران در مدح او مطالبی فراوان بیان داشته‌اند. او شاگرد و رازدار علامه سید بحر العلوم بود. وی در کتاب بسیار ارزشمند خود «ابواب الجنان و بشائر الرضوان» که آن را با قلمی

که امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام به او هدیه دادند نوشت و اخیراً چاپ شده است، تصریح نموده که عزاداری، جزع و فزع در مصیبت امام حسین علیه السلام به هر نحوی که باشد ولو انسان بداند که منجر به موت او می‌گردد جایز است. علامه امینی نیز از حاشیه‌اش بر کتاب «کامل الزیارات» معلوم می‌شود که هم او و هم عده‌ای از فقهای اعلام بر این اعتقاد بوده‌اند.

به هر حال، نه تنها حضرت ابراهیم علیه السلام که دیگر پیامبران از جمله حضرت آدم و حضرت عیسی علیه السلام نیز در سرزمین کربلا دچار حادثه شدند و خونشان در آن جا ریخته شد.

روایات یک یا دو مورد نیست و این قبیل روایات از مراتب عالی تواتر برخوردار است. ما باید دست آنان را - قاصر باشند یا مقصر - گرفته و در راه راست قرار دهیم تا در پی این گونه شبهه‌افکنی‌ها جهنمی نشوند و باید توجه داشت که خدای متعال از حق خود و از حق پیامبرانش زود می‌گذرد، اما نسبت به امام حسین علیه السلام این گونه نخواهد بود. خدایی که نسبت به همه بندگان رحمان و رحیم است مگر ممکن است نسبت به حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام چنین نباشد و اگر راهی برای رساندن عظمت مصیبت و مواسات با حضرت سیدالشهداء علیه السلام غیر از جاری شدن خون او می‌بود، آن را خدای متعال برای خلیل خود انتخاب می‌کرد. اما اراده خدا فقط به این راه تعلق گرفته بود که خون حضرت ابراهیم علیه السلام

جهت تاسی و مواسات با امام حسین علیه السلام بر زمین کربلا ریخته شود. قابل توجه این است که این مطالب افزون بر روایات شیعه، در روایات عامه نیز آمده است.

مطلب دیگری که نیز به متخصصان ادبیات زبان عرب تعلق دارد این است که اگر آقایان علما به بحار و منابع دیگر مراجعه کنند خواهند دید خدای متعال که عالم مطلق، قادر مطلق و حکیم مطلق است و این نام‌های حسناى الهی به طور مطلق و ذاتاً بر خدای متعال منطبق است؛ خطاب به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «خواستم تو به امام حسین علیه السلام تاسی کرده باشی»^۱.

این در حالی است که لفظ تاسی برای زمان آینده به کار می‌رود، نه زمان گذشته. یعنی در زمانی که هنوز اتفاقی نیفتاده تاسی معنایی ندارد. پس باید دید خدای متعال از بیان چنین مطلبی برای چنان فاصله زمانی چند هزار سال، چه مطلبی را اراده فرموده بود و از این رهگذر چه پیامی برای تمام تاریخ داشته است. یکی از پیام‌های این رخداد این است که: ای ابراهیم! اگر خون تو در این سرزمین ریخت، از آن جهت است که در ازل خدای سبحان می‌دانست خون امام حسین علیه السلام در این سرزمین پاک ریخته خواهد شد، پس خون تو نیز

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳.

باید به تأسی با آن حضرت در این جا ریخته شود.

وانگهی وقتی چنین پیشامدی برای حضرت ابراهیم علیه السلام رخ داد، تا آخر عمر خویش آن را فراموش نخواهد کرد و داغی و سوزی در دل ایشان می ماند. نقل این مطلب از خدای متعال آغاز شد و پیامبران و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام صدها بار آن را بیان داشتند و اگر آثار روایی سوزانده نمی شد روایات در دست ده ها، بلکه صدها برابر می بود.

عالمان دین و شعائر حسینی

علمای اسلام نیز در این زمینه کار کرده اند که به ذکر دو نمونه اکتفا می شود:

۱. شخصیت اول مرحوم میرزای شیرازی بزرگ قدس سره (صاحب فتوای مشهور تحریم تنباکو) که بزرگانی همانند: علامه امینی در الغدیر، صاحب کتاب المآثر الکبری، سید محسن امین در اعیان الشیعه و جز آنان مطالبی شگرف درباره ایشان نوشته اند. اعیان الشیعه که صدها تن از مراجع را معرفی کرده و شرح حالشان را نوشته است، درباره میرزای شیرازی متفاوت عمل کرده و از او تجلیل بسیار به عمل آورده و ایشان را یک مرد استثنایی دانسته است که افزون بر مرجعیت تقلید در یک مبارزه نابرابر و سخت، ایران را از چنگال استعمارگران انگلیسی - که ابرقدرت استعماری وقت بود - بیرون آورد و انگلیس با داشتن هزاران کارشناس، شکست خورده و با ضرر و زیان فراوان مجبور به عقب نشینی

شد و ایران را ترک کرد.

۲. شخصیت دوم میرزای دوم (میرزا محمد تقی شیرازی رحمته الله علیه) بود که نظامیان اشغالگر انگلیس را از عراق با بسیج نمودن پنج میلیون مسلمان عراقی بیرون کرد و این در حالی بود که انگلیس با مستعمره‌هایش بیش از یک میلیارد جمعیت داشت. اشغالگران عراق سر تا پا مسلح بودند و مردم عراق با دستان خالی.

این دو بزرگوار توانستند با خردورزی، استعمار انگلیس را از ایران و بعدها از عراق بیرون برانند که منظورمان الان این بحث نیست بلکه مراد، بحث اهمیت دادن آنان به اقامه شعائر حسینی است.

میرزای بزرگ در سامرا زندگی می‌کردند؛ شهری که شیعیان آن در اقلیت بودند و آن‌جا تحت حاکمیت عثمانی‌ها بود که لعن یزید را مجاز نمی‌دانستند و هر که یزید را لعن می‌کرد به زندانش برده، شکنجه‌اش می‌کردند. میرزای شیرازی در آن شرایط سخت سه مرکز در سامرا تأسیس کردند، یکی مدرسه علمی برای طلاب علوم دینی که بزرگترین مدرسه علمی عراق بود و صدام آن را منفجر و نابود ساخت، دوم حسینیه‌ای برای کسبه و بازاریان و سوم خانه خودشان بود.

چنانکه در منابع مرتبط نوشته‌اند، دسته عزاداری در دهه‌ی محرم حرکت می‌کرد از حسینیه و به صحن مقدس عسکریین رحمته الله علیه می‌رفت؛ و از حوزه علمیه نیز دسته عزاداری طلاب علوم دینی بیرون می‌آمد و به صحن مقدس می‌رفت تا به عسکریین رحمته الله علیه و نیز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

تسلیت بگویند. همانند آن نیز تا زمانی که در کربلا بودیم وجود داشت که طلاب و علمایی که از نجف اشرف به کربلا می‌آمدند در این هیئت عزاداری حوزه علمیه شرکت می‌کردند. مراجع از جمله مرحوم والد نیز در آن شرکت می‌کردند؛ و از خانه مرحوم میرزای بزرگ صبح عاشورا هیئت مراسم و شعیره صبح عاشورا به سمت حرم حرکت می‌کرد و خود میرزای بزرگ نیز در آن شرکت می‌کردند.

در تاریخ این خاندان آمده است که میرزای بزرگ فرزندی به نام میرزا سید محمد داشتند که هفت سال قبل از فوت ایشان، به دست دشمنان کشته و بنا به نوشته علما او در مقام علم و تقوا چنان والا بود که اگر می‌ماند، پس از پدرش مقام مرجعیت را از آن خود می‌کرد. میرزای بزرگ پس از کشته شدن فرزند برومند خود، هفت سال تمام در سامرا بودند و بدون هراس سه هیئت یادشده را اداره می‌کردند و چنان که نوشته‌اند، هزینه هیئت عزاداری و مراسم شعیره‌ای که در صبح عاشورا برگزار می‌شد را شخص ایشان پرداخت می‌کردند.

پس از فوت ایشان، میرزا محمد تقی شیرازی رحمته الله علیه گفته شده است که حدود بیست سال در سامرا بودند و در تمام این مدت، سه هیئت یادشده را برگزار و اداره می‌کردند.

به راستی چرا علمای بزرگ این همه برای امام حسین علیه السلام کار می‌کردند؟ آیا آن حضرت را از پیامبر اکرم و امیرمؤمنان، حضرت زهرا و امام حسن علیهما السلام بالاتر می‌دانستند؟! نه هرگز.

مرحوم کاشف الغطاء رحمته الله در سال ۱۳۷۳ قمری در «کرنند» ایران فوت کردند و پیکر ایشان را ابتدا به کربلای معلی و سپس برای دفن به نجف اشرف بردند. ایشان از شاگردان مهم و برجسته مرحوم سید محمد کاظم یزدی رحمته الله (صاحب عروه) و مرحوم آخوند خراسانی رحمته الله (صاحب کفایه) و هم‌طبقه‌های آنان بودند. آن مرحوم، حاشیه‌ای برای عروه الوثقی نوشتند که امروز مورد استفاده مراجع تقلید است.

ایشان کتابی درباره شعائر مقدس حسینی دارند به نام «الآیات البینات» که چاپ نیز شده و اگر در بازار یافت نشود حتماً در کتابخانه‌ها موجود است. ایشان در این کتاب درباره شعیره صبح عاشورا نوشته‌اند: مدت شصت سال است که شعیره صبح عاشورا را می‌بینیم و نشنیده‌ام احدی حتی یک مورد در این عزاداری فوت کرده باشد.

مرحوم اخوی رحمته الله همین مطلب را در یکی از آثار خود آورده، اظهار داشته‌اند که حدود شصت سال است حادثه فوتی در این عزاداری نه دیده‌ام و نه شنیده‌ام. امروزه که شاهد پیشرفت وسایل ارتباطی هستیم، بنده هم بیش از شصت سال است گزارشی از فوت احدی در این نوع از عزاداری حضرت سیدالشهداء رحمته الله را نشنیده‌ام.

موضوع قابل توجه این است که شماری از حاجیان در مراسم حج می‌میرند، زوار امام حسین رحمته الله در سفر زیارتی و به هنگام زیارت می‌میرند و افرادی نیز در حال نماز یا در حال روزه جان می‌دهند. مگر

مُردن اشکال و ایرادی دارد؟! وانگهی در کامل الزیارات از معصوم روایت شده است که اگر زائر امام حسین علیه السلام در حال زیارت بمیرد، فرشتگان او را تشییع می‌کنند. آن‌گاه فوائد و آثاری برای آن بیان می‌دارند.

مسلماً مرگ اجل است که در زمان معینی فرا می‌رسد؛ اما چرا در این شعیره و عزای صبح عاشورا اتفاق نیفتاده است؟! این امر، پیام خدا را نشان می‌دهد و آن این است که امام حسین علیه السلام و ماجرایشان استثناست.

بنی‌امیه و بنی‌عباس با شعائر مقدس امام حسین علیه السلام بازی کردند و می‌خواستند آن را براندازند. با مطالعه تاریخ می‌بینیم که متوکل چه ظلم‌هایی که در حق این دستگاه روا داشت. بنا به نقل تاریخ، او حدود پانزده سال حکومت و در این مدت هفده بار بارگاه امام حسین علیه السلام را ویران کرد و هزاران تن را به دستور جائرانه او به حبس انداختند و خانه‌هایشان را بر سرشان خراب کردند.

علامه مجلسی در بحار آورده است: «متوکل به حضرت فاطمه علیها السلام دشنام می‌داد» یعنی عاقبت چنین فردی که مانع برگزاری شعائر مقدس حسینی بوده این چنین است. تمایلی به نقل این مطالب نیست، اما از آن جایی که بزرگان نوشته‌اند، نقل می‌شود. با مراجعه به برخی منابع عامه می‌بینیم که آنان از متوکل فتواهای شرعی نقل می‌کنند. در کتاب «البحر الزخار فی مذاهب علماء الأنصار» ده‌ها، بلکه صدها مورد

مسأله شرعی به عنوان فتوا از متوکل نقل شده است. همیشه هارون‌ها، متوکل‌ها و سران هستند که مسئولیت بزرگ جنگیدن با امام حسین علیه السلام و مانع شدن از برگزاری شعائر حسینی، زیارت و غیره را بر عهده دارند، مثلاً فردی که به طور مستقیم مرتکب جنایت بزرگ در کربلا شد، بنا به مشهور شمر بن ذی الجوشن بود، او به فرمان عمر بن سعد و ابن سعد از سوی ابن زیاد آمده بود و ابن زیاد را یزید بن معاویه منصوب کرده بود، در عین حالی که شمر مباشرت به این جنایت هولناک کرده ولی بنا به نقل روایتی امام حسین علیه السلام هنوز خردسال بودند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مناسبتی فرمودند: «مالی ولیزید؟ اللهم العن یزید؛^۱ مرا به یزید چکار؟ خدایا، یزید را لعنت کن». در مقابل جایی دیده نشده است که حضرتش این عبارت را درباره شمر و ابن سعد و ابن زیاد فرموده باشند، حال آنکه می‌دانستند شمر، قاتل مباشر امام حسین علیه السلام خواهد بود. بنابراین، بزرگان همیشه مسئول اول هستند و مسئولیت بزرگ را بر عهده دارند. ولی با وجود فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله در لعن یزید باز هم از دیرباز تا به امروز می‌بینیم ناصبی‌ها کار یزید را توجیه کرده، می‌گویند: کشور اسلامی بزرگ و گسترده بود و یزید خبر نداشته است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۶۶، حدیث ۲۴.

شاگردان مرحوم شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه می گفتند در نتیجه اقدام‌های رضاخان پهلوی بر ضد عزاداری‌ها و دستگاه حضرت سیدالشهدا علیه السلام مرحوم حائری رحمته الله علیه به شدت تکیده (لاغر و نحیف) شده بودند. یک بار فرستاده پهلوی نزد حاج شیخ آمد و اظهار داشت که اعلیحضرت از حوادث و ماجراهایی که در قم رخ داده است اطلاعی ندارد و این‌گونه به توجیه و فریبکاری دست می‌زد.

پس از فوت آن مرحوم، فرزندان و نزدیکانش گفتند که وی دق مرگ شد. طبیعی است، فقیهی که داغ و سوز حسینی در دل داشته باشد، چنین رفتارهایی را تحمل نخواهد کرد.

شخصی که بدکاری دیگران و جفای آنان نسبت به دستگاه امام حسین علیه السلام را توجیه کند، دیگر سوز و داغ حسینی در دل نخواهد داشت، هرچند عنوان شیعه بودن را یدک بکشد یا مثلاً به چهارده معصوم علیهم السلام اعتقاد داشته باشد.

عاشورا پایان ندارد، زیرا خدای تبارک و تعالی بر گستردگی آن اراده فرموده است. از خویشاوندان یا آشنایان شما افرادی هستند که در خارج از ایران در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی زندگی می‌کنند. اگر از آنان درباره مجالس و شعائر حسینی بپرسید، در می‌یابید که در آنجا نیز این سفره گسترده حسینی فراهم است و آنان که بخواهند، از آن برخوردارند و همه‌ساله چند صد مجلس جدید در شهرها و روستاها

تأسیس و فعال می‌شود. این، همان وعده رسول خدا ﷺ است که درباره دستگاه حضرت سیدالشهداء ﷺ فرمودند: «فلا یزاد الا علواً؛ هماره و پیوسته بر بالندگی‌اش افزوده می‌شود»^۱.

نقل داستانی را به مناسبت لازم می‌دانم و آن اینست که چند ماه قبل شخصی نزد من آمد و ضمن صحبت‌ها گفت: در یکی از کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنم. یکی دو سال قبل در مجلس روضه‌ای که شیعیان آنجا برپا کرده بودند، رفتم. در آن مجلس زنان و مردان حضور داشتند. مجلس که به پایان رسید، صاحبخانه به من گفت: یکی از این خانم‌های حاضر مسیحی بوده است، اما در سفری که به کربلای معلی مشرف شد در آنجا مسلمان و شیعه شد و همسرش نیز شیعه شد و ۲۶ تن از بستگان دو طرف نیز به برکت امام حسین ﷺ و شعائر حسینی شیعه شدند. آن‌گاه صاحب خانه اضافه کرد و گفت: این خانم تازه مسلمان (که دارای منصب مهمی در آن کشور است)، در این چند روزی که مجلس عزای امام حسین ﷺ بر پاست، هر روز نیم ساعت قبل از برگزاری مجلس به این‌جا می‌آید و نظافت می‌کند و وقتی به او می‌گوییم این کار مناسب مقام و شخصیت اجتماعی شما نیست و بهتر

۱. «ولیتجهدن أئمة الكفر وأشیاع الضلالة فی محوه وتطمیسه، فلا یزاد إلا ظهوراً، وأمره إلا علواً؛ هر چند پیشوایان کفر و رهروان گمراهی در محو آن می‌کوشند، اما نتیجه آن جز این نیست که پرتو افشانی و برتری امر او، فزونی خواهد گرفت.» (کامل الزیارات، ص ۴۴۵).

است چای و غذا بدهی، می‌گویی: من بیش از این قابلیت و جایگاه ندارم، لذا می‌خواهم اینجا را برای عزاداری تمیز و نظافت کنم.

برادران و خواهران ایمانی در هر جای دنیا که زندگی می‌کنند توجه داشته باشند که مبدا در روز قیامت این بانوی مسیحی تازه شیعه شده، در محضر حضرت زهراء علیها السلام باشد، ولی ما دور باشیم! پس بکوشیم بیش از پیش خود را به جریان حضرت سیدالشهداء علیه السلام پیوند دهیم و در برابر تشکیک‌ها و شبهه‌افکنی‌ها سست نشده، در مقام پرسش و رفع شبهه برآییم. توجه داشته باشیم که سؤال باید برای دانستن باشد، نه به انگیزه‌ای دیگر.

امیدوارم به برکت این سفره پر نعمت الهی که در دنیا و آخرت به نام مقدس امام حسین علیه السلام گسترده است، از نعمت برکات آن حضرت محروم نباشیم و توفیق روزافزون همگان را از خدای متعال مسئلت دارم.